

## همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی  
شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴  
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸  
شماره مقاله: ۱۱۹۵/۲۵۸  
رده بندی کنگره: م ۱۰۱/۲

### واکاوی معنای توبه به عنوان یکی از موارد تخفیف و سقوط مجازات

دکتر محمدحسین دانشفر

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

#### چکیده

مساله ی توبه، موضوعی است که در منابع معتبر اسلامی از جمله قرآن کریم نیز به آن اشاره شده و از سوی دیگر در منابع معتبر فقهی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. از طرفی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای مجرمانی که آثار ندامت و اصلاح را در خود نشان داده اند، تخفیف هایی در نظر گرفته شده و حتی قائل به حکم برائت برای آنها شده است. در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی به مبحث توبه اشاره شده است. مبحث پنجم از فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی به موضوع توبه مجرم اختصاص دارد. براساس ماده ی ۱۱۴ قانون مذکور، در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می شود. همچنین در جرایم تعزیری درجه ی ۵ تا ۸ در صورت احراز توبه، مجازات قابل تخفیف خواهد بود و در جرایم تعزیری درجه ۸ تا ۱۴ موجب سقوط مجازات می شود. اما در ماده ی ۱۱۷ قانون فوق الذکر آمده

است» در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می شود، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز شود و به ادعای مرتکب اکتفا نمی شود....»

**واژگان کلیدی:** توبه، سقوط مجازات، جرایم حدی، حد، شارع مقدس، جرایم تعزیری

## بخش اول: توبه در لغت و اصطلاح

### الف: توبه در لغت

در مورد معنای لغوی توبه می توان گفت که اکثر لغت شناسان «توبه» را به معنی رجوع دانسته اند، ابن فارس می نویسد: «توبه؛ رجوع و بازگشتن است، تاب من ذنبه ای رجع عنه؛ به این معنا که از گناهش برگشت و هم چنین معتقد است که یتوب الى الله توبه و متاباً به این معناست که به سوی خداوند بازگشت نموده و روی گردانیده است». (مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۵۷) راغب اصفهانی در مفردات می گوید: «التوب: ترك الذنب على اجمل الوجوه وهو ابلغ وجوه الاعتذار». (مفردات، ص ۷۲) با توجه به بیان راغب نیز می توان گفت: توبه ترك گناه به بهترین وجه است و آن رساترین شکل پوزش خواهی است. ابن منظور نیز در لسان العرب می گوید: «تاب الى الله یتوب توباً و توبه و متاباً؛ ای اناب و رجع عن المعصية الى الطاعة؛ التوبة الرجوع و الندم» (لسان العرب، ج ۱، ص ۲۳۳) بنا بر قول ابن منظور توبه بازگشتن از گناه است و تاب الى الله... به معنای از عصیان و گناه کاری به اطاعت و فرمان برداری خداوند روی آوردن می باشد. اما عده ای دیگر از لغت شناسان توبه را به معنی رجوع مقید «بازگشت از گناه» تعبیر کرده اند؛ (طریحی، ج ۱، ص ۲۹۹) مرحوم طبرسی نیز در ذیل آیه ۳۷ بقره، توبه را به «رجوع از عمل گذشته» معنی کرده است. (مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۸) به نظر می رسد این معنا، صحیح نباشد چراکه توبه به این معنی شامل توبه خداوند متعال و مراتب عالی توبه بندگان خدا مانند توبه پیامبران و ... نمی شود. در صورت پذیرش این بیان لازم است الفاظی چون «تواب و تاب الله» و... را که در قرآن، دعا و روایات در باره خدا آمده است توجیه نمود؛ برای نمونه «تواب» را به معنای «بسیار توبه پذیر» معنا کرده اند که

مناسبت نداشتن آن با معنی لغوی اش واضح است. از این رو، بهتر است به دور از هرگونه تحمیل معنای نامناسب بر این واژه، آن را به معنی «مطلق رجوع» بدانیم تا توبه خداوند متعال و بندگانِ مقرب درگاهش را نیز شامل شود. از این جهت است که در بازگشت انسان به خدا، توبه با «من» می آید و «تاب من ذنبه» به معنی «رجع من ذنبه» و در توبه و بازگشت خدا به انسان با «علی» به کار برده می شود و «تاب علیه» یعنی «رجع الیه بالرحمة». در تایید این بیان می توان به آن چه که قاموس القرآن در این مورد آورده است اشاره نمود که بیان می دارد: «توب. توبه. متاب همه به معنی رجوع و برگشتن است در قاموس و صحاح و ...، قید معصیت را اضافه کرده و گفته اند: رجوع از معصیت، ولی رجوع مطلق صحیح است زیرا این کلمه در باره خدای تعالی نیز بکار رفته و در او رجوع از معصیت معنی ندارد مثل: «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» (توبه، ۱۱۷) در مجمع ذیل آیه ۳۷ بقره فرموده: اصل توبه رجوع از عمل گذشته است. گویا مجمع نیز توبه عبد را در نظر داشته است. در المیزان در جاهای متعدد آن را مطلق رجوع فرموده و این کاملاً صحیح و به استعمال قرآن موافق تر است. معنای توبه همان طور که گفته شد رجوع است در نهایت توبه خدا با توبه عبد فرقی آن است که توبه عبد برگشتن بسوی خداست با ترک معصیت و تصمیم عدم ارتکاب به آن، و توبه خدا بازگشت به بنده، با رحمت و مغفرت و با توفیق توبه دادن است». (قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۸۷).

## ب: توبه در اصطلاح

### بررسی اقوال و قول برگزیده

**قول اول:** بسیاری از عالمان اخلاق، عارفان، محدثان، مفسران، متکلمان و فقیهان در تعریف توبه گفته اند، توبه همان ندامت و پشیمانی است. (شرح مقاصد، ج ۵، ص ۱۶۳) این نظریه طرفداران زیادی دارد تا آن جا که برخی از فقیهان بر آن ادعای اجماع کرده اند. که از جمله می توان از آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری نام برد ایشان در این باره چنین می گوید: «به دلیل اجماع و نص حقیقت توبه همان پشیمانی است». (مذهب الاحکام، ج ۳،

ص ۳۶۰) حامیان این دیدگاه به طور عمده به روایاتی استدلال کرده اند. «محمد بن علی بن الحسین قال: من الفاظ رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: الندامة توبة» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۴) شیخ صدوق نقل می کند که رسول خدا فرمود: ندامت و پشیمانی، توبه است. و امام باقر «علیه السلام» می فرماید: کفی بالندم توبة. (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۴) به این معنا که در توبه ندامت کافی است. در جای دیگر امام زین العابدین در صحیفه سجاده می فرماید: «اللهم ان یکن الندم علی الذنب توبة فانا اندم النادمین». (صحیفه سجاده، مناجات الثائین) به این معنا که بار خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است من از همه پشیمانان پشیمانترم. این مطلب علاوه بر روایات فراوان دیگر در دعاها و نیایش های ائمه «علیهم السلام» نیز وجود دارد تا جایی که آیت الله محمد تقی آملی پس از نقل سه روایت در این باره می گوید: «افزون بر این ها مدلول روایت بی شماری این است که؛ توبه همان ندامت است». (مصباح الهدی، ج ۵، ص ۳۱۸).

## بررسی قول اول

اگر مقصود این بزرگان از ندامت، پشیمانی صرف و غیر موثر است به نظر صحیح نمی رسد چرا که پشیمانی تنها، بازگشت درونی به خداوند متعال نیست؛ اگر کسی از گناه گذشته خود پشیمان است و در عین حال تصمیم بر اصرار و تکرار آن گناه دارد و یا در صدد جبران ویرانی های برخاسته از گناه نیست، به چنین کسی تائب نمی توان گفت. شاید از همین جهت باشد که گروهی از قائلین این دیدگاه، عزم بر ترک گناه را شرط ندامت دانسته و تأکید کرده اند که پشیمانی بدون عزم بر ترک، توبه نیست. (شرح مقاصد، ج ۵، ص ۱۶۳).

**قول دوم:** گروه دیگری از متکلمان و فقیهان، توبه را به معنی «ندامت و عزم بر ترک» دانسته اند و از نظر این دسته توبه دو رکن مقوم دارد که ندامت و عزم بر ترک گناه است. این نظریه نیز طرفداران زیادی دارد. غالب متکلمان معتزلی و گروهی از محققان شیعی این قول را برگزیده اند. علامه حلی «ره» در بیشتر آثار خود این نظر را برمی گزیند.

## بررسی قول دوم

در تعریف دوم که می توان آن را تکمیل کننده تعریف نخست دانست علاوه بر تعریف توبه به پشیمانی، «عزم بر ترک گناه» را نیز به تعریف افزوده است و قائلین به این نظریه آن را در درون تعریف از توبه قرار داده اند. مقصود این گروه از «عزم بر ترک گناه» را به دو گونه می توان تفسیر کرد:

۱- اینکه مقصود از «عزم بر ترک گناه» قصد و تصمیمی باشد که انسان به هنگام پشیمانی عمیق، خود به خود و به طور غیراختیاری اتخاذ می کند؛ اگرچه این امر از نشانه های ندامت راستین است و درستی چنین سخنی مورد تردید ما نیست اما این تعریف در بیان این مقصود نارساست چراکه به غیر اختیاری بودن این امر در تعریف مذکور اشاره ای نشده است.

۲- اگر مقصود از «عزم بر ترک گناه» این باشد که انسان به صورت اختیاری تصمیم بر ترک گناه داشته باشد به این معنا که برای تحقق توبه دو شرط لازم است نخست این که انسان از اعمال بد گذشته اش پشیمان شود و دیگر این که تصمیم بر ترک گناه بگیرد این مساله، امری اختیاری و لازمه ندامت است و به این معنا که غیراختیاری باشد نیست. اگر مراد این گروه بیان دوم باشد، علاوه بر این که دلیلی بر اعتبار اختیاری بودن عزم بر ترک در توبه نیافته ایم به لوازم آن نیز نمی توانیم پایبند باشیم. شیخ انصاری در این باره چنین می فرماید: «اگر مرا از عزم، اطمینان به این است که دیگر این گناه را مرتکب نمی شود، دلیلی بر اعتبار آن در توبه نیست. افزون بر این که این معنا مستلزم این است که توبه کسی که به خود مطمئن نیست که در آینده گناه را ترک کند، ممتنع باشد، مانند انسان بد اخلاقی که به خود اطمینان ندارد و در صورت تعرض دیگران، تضمینی نیست که ناسزا نگوید و مانند انسان ترسویی که تضمینی بر فرار نکردن او در مصاف با دشمن نیست (در حالی که توبه چنین کسی صحیح و مقبول است). و اگر مراد از عزم بر ترک گناه اراده و خواستن آن است، گر چه اطمینان به تحقق آن نداشته باشد، که این همان لازمه ندامت و از پشیمانی جدا شدنی نیست». (مکاسب، ص ۳۳۶). خلاصه سخن شیخ این است که اگر مراد از «عزم بر ترک گناه

در آینده» تنفر و انزجار است که در نادم حاصل می آید و در نتیجه خود به خود تصمیم می گیرد که گناه نکند، و این تنفر و انزجار لازمه ندامت است و اگر معنی عزم این است که تائب از روی اختیار بر ترک گناه تصمیم بگیرد، دلیلی بر آن در توبه نداریم. افزون بر این که، این معنا سبب امتناع توبه کسی است که می داند در آینده گناه می کند و یا اطمینان ندارد آن گناه را ترک می کند.

**قول سوم:** گروهی از عالمان اخلاق توبه را به آگاهی از زیان های گناه، حالت پشیمانی و عزم بر ترک گناه در حال و آینده و تدارک گذشته تعریف کرده اند. شاید بتوان غزالی را مبتکر این نظریه دانست. غزالی بر این باور است که تعاریف مختلفی از توبه ارائه شده است که یا به امر اول و یا قول دوم که ندامت و عزم بر ترک است نظر دارد. ایشان معتقد است اغلب توبه را به معنی ندامت گرفته اند که روح و جان توبه همان است، ولی تمام حقیقت توبه ندامت نیست؛ بلکه ندامتی است که از معرفت برخیزد و عزم را ثمر دهد. آن گاه پس از نقل چند تعریف، اختلاف تعریف های توبه را چنین توجیه می کند که هر کس بعدی از آن را ملاحظه کرده و به همه آن توجه نکرده است. در نهایت ایشان تعریفی ارائه می نماید که از تعاریف پیش گفته جامع تر به نظر می رسد. ایشان در کیمیای سعادت در تعریف توبه این چنین بیان می دارد: «بدان که اول نور معرفت و ایمان است که پدیدار آید، که در آن نور بینند که گناه زهر قاتل است. و چون نگاه کند که وی از این زهر بسیار خورده است و به هلاک نزدیک است، به ضرورت پشیمانی و هراسی در وی پدید آید، چون کسی که بداند زهر خورده است پشیمان شود و بترسد؛ از پشیمانی انگشت به گلو فرو برد تا قی کند ... هم چنین در وی پشیمانی پدیدار آید بر گذشته و آتشی از آتش خوف در میان جان وی افتد که هلاک خویشتم می بیند در این آتش، شره و شهوت گناه در وی سوخته شود و عزم کند گذشته را تدارک کند... پس نفس توبه پشیمانی است و اصل آن نور معرفت و ایمان و فروع آن بدل کردن احوال و نقل کردن جمله اندام ها از معصیت و مخالفت به اطاعت و موافقت است.» (کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۳۲۰). سید نعمت الله جزایری ضمن ستودن تعریف غزالی تبیین دیگری از دلیل اختلاف در تعریف های توبه ارائه می دهد و آن این که بی

گمان توبه دارای مراتبی است و هر مرحله از ویژگی هایی برخوردار است که مرتبه دیگر فاقد آن است و خصوصیات هر کدام غیر از دیگری است. از این رو آنان که به تعریف توبه پرداخته اند، هر کس با توجه به مرحله مورد نظر خودش توبه را تعریف کرده و برای همین است که تعریف ها مختلف شده است. فیض کاشانی در محجۀ البیضاء و حقایق، نراقی در جامع السعادات و فخر رازی در تفسیرش و... این تعریف را پسندیده اند. (جامع السعادات، ج ۳، ص ۵۰).

### بررسی قول سوم

از جمله مطالبی که غزالی از آن غافل مانده است، همان مقدمه یا امر اول در توبه است. ایشان و پیروانش معتقدند: علم به ضرر گناهان، نخستین جزء توبه، و نکته آغاز آن است. ولی واقعیت آن است که توبه، با رجوع خداوند و عنایت و توجه او آغاز می شود و آیات فراوانی بیان گر این امر می باشند. از این روی اگر علم به زیان های گناه را جزء حقیقت توبه بدانیم، پیش از آن می بایست به عنایت خداوند در این مورد توجه نماییم چرا که بدون توفیق او هرگز انسان به توبه توفیق نخواهد یافت. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، به خوبی، این نکته را تبیین کرده است. ایشان می فرماید: «از آن جا که انسان فی نفسه، محتاج است و جز از راه پروردگارش مالک خیر و سعادت خود نیست، برای باز گشت به خدا، به عنایت و کمک خداوند نیازمند است، از این رو برای باز گشت انسان به عبادت و خشوع در برابر خدا توفیق و کمک الهی لازم است و توبه خدای سبحان به بنده اش که مقدم بر توبه بنده است؛ همین است، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ثم تاب علیهم لیتوبوا...». (توبه، ۱۱۸) همان طور که بازگشتن به سوی خدا به قبول خداوند از طریق آمرزش گناهان بنده و تطهیر وی محتاج است و این توبه دوم خداوند است که پس از توبه انسان است و خدا می فرماید: «و اولئک یتوب الله علیهم» پس در هر توبه انسان دو باز گشت و توبه از جانب خداوند وجود دارد؛ یکی قبل از توبه بنده و دیگری پس از آن، البته باید توجه داشت که در مقایسه توبه خدا با توبه انسان، خداوند دو توبه دارد. و گر نه اگر توبه خدا را فی نفسه، ملاحظه کنیم یک توبه بیش نیست و آن در هنگام باز گشتن بنده به سوی خداست. (مذهب الاحکام، ج ۳،

ص ۳۵۹) اشکال دیگر این تعریف، همان اشکال به قول دوم است که عزم بر ترک جزء جدا ناشدنی ندامت و پشیمانی حقیقی است و این که در این تعریف «عزم بر ترک گناه» به صورت مترتب بر پشیمانی بیان شده است نمی تواند خالی از اشکال باشد.

**قول چهارم:** گروه دیگری از محققان توبه را به معنای رجوع دانسته اند که تناسب کامل با معنای لغوی آن دارد در میان این گروه چهره های برجسته ای هم چون شیخ انصاری، علامه طباطبایی، شهید مطهری و امام خمینی و ... وجود دارد. شیخ انصاری توبه را به معنای رجوع دانسته و نوشته است: «حقیقت توبه یا باز گشتن به خداوند پس از اعراض از خداوند و یا باز گشتن به راه راست الهی، پس از انحراف از آن است» ایشان در ادامه به بیان شرایط توبه پرداخته و بیان می دارد: «و آن (توبه) متوقف است بر آگاهی از این نکته که دوری از حضرت حق و انحراف از جاده مستقیم الهی و توجه به خدا، زیانی بس بزرگ و ضرری ویران گر که دیگر زیان ها در مقایسه با آن هیچ است. پس از این توجه و یقین است که جان انسان پشیمان و دردمند می شود، که گستره شدت و ضعف آن با مرتبه یقینش متناسب است. و از آن به پشیمانی و ندامت تعبیر می شود. ...» (مکاسب، رساله عدالت، ص ۳۳۶) علامه طباطبایی نیز توبه را به معنای رجوع دانسته و نوشته است: «توبه به معنای رجوع است و این بازگشت بنده است به سوی خدا، بوسیله ی ندامت و پشیمانی از روی گرداندن از خدا و بازگشت خدا به انسان است» (المیزان، ج ۴ ص ۲۳۹). استاد شهید مرتضی مطهری ضمن بیان مقدمه مشروحی، توبه را به معنی بازگشت و انقلاب مقدس روحانی و درونی و یا تغییر مسیر معرفی می کند. (گفتارهای معنوی، ص ۱۰۷-۱۱۴) امام خمینی در تبیین مفهوم رجوع بیان می دارد: «مهمترین اثر گناه در دل است؛ گناه دل را ویران، تباه و نابود می کند، رجوع و بازگشت نیز باید از همین مکان آغاز شده، در همین جا ببالد و تحقق یابد اینجاست که دل به حالت فطریش بازگشته و از آثار ظلمت و طبیعت رهانیده می شود و معنای آن حدیث معروف که «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» (آن که از گناه توبه کند چونان کسی است که گناه نکرده است) همین است؛ یعنی آثار شوم گناه از دل وی بیرون می رود و مانند زمانی می شود که گناه نکرده و بر فطرت نخستین خود بوده است. پس توبه به معنای «رجوع» است

و رجوع جایگاهش دل است و بازگشت و رجوع دل همان ندامت و پشیمانی عمیق است». (چهل حدیث، ص ۲۷۵)

## نظر برگزیده

به نظر می رسد این دیدگاه به واقعیت نزدیک تر باشد و به ظاهر مقصود این است که بازگشت و رجوع به خدای سبحان در قلمرو دل و جان است و این باپشیمانی محقق می شود. در واقع، حقیقت توبه همان بازگشت درونی به خداوند سبحان یا پشیمانی خاص است. از این روی می توان گفت که توبه به معنای رجوع خاصی مورد نظر است. نگارنده باور دارد که در معنای رجوع باید نکته دیگری را نیز مورد توجه قرار داد و آن این که معنای اصطلاحی توبه باید به گونه ای مورد توجه قرار گیرد که رجوع خداوند به بنده را نیز شامل شود. در بیان دلیل این نظریه می توان به آن چه در بررسی معنای لغوی توبه در بیان قاموس القرآن بدان اشاره شد؛ استدلال نمود.

## بخش دوم: توبه و واژگان قریب المعنا

### الف: استغفار

استغفار مصدر باب استفعال است که ریشه ثلاثی مجرد آن غفر به معنی پوشاندن و مستور کردن است. راغب در مفردات می گوید: «الغفر به معنی پوشیدن لباسی است که انسان را از آلودگی مصون دارد. و در اصطلاح، به معنی طلب آمرزش از خداوند است، چه این آمرزش خواهی با دعا باشد، چه با عبادت و چه با توبه و...». قیومی می گوید: «اصل الغفر الستر» (المصباح المنیر، لغت الغفر) غفر به معنای پوشاندن است. و ابن فارس می نویسد: «الغین والفاء والراء بمعنی الستر فالغفر الستر» (مقایس الغة، ج ۴، ص ۳۸۵). این واژه در قرآن، روایات، و دعاهای امامان معصوم «علیهم السلام» بسیار استعمال شده است. معنی لغوی آن به روشنی با توبه متفاوت است، چرا که توبه به معنی رجوع و استغفار به معنی آمرزش خواستن است. اما استعمال آن ها در آیات و روایات گاه طوری است که نشان گر وحدت معنایی و گاه به گونه ای است که از تعدد و تفاوت معانی آن ها حکایت می کند. ظاهر آیات و

روایات زیر، متفاوت بودن معنی این دو را می‌رساند: «یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه» (هود، ۳) ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید. در چهار مورد در قرآن کریم میان استغفار و توبه با لفظ ثم فاصله شده، که دلالت بر تفاوت میان این دو مفهوم دارد؛ به دو دلیل، آیه شریفه نشان دهنده مغایرت مفهوم استغفار و توبه است:

۱. عطف توبه بر استغفار با کلمه «ثم» که فاصله و ترتیب را می‌رساند.
  ۲. اصل در کلام هر گوینده‌ای تأسیس و اراده معنای جدید است.
- «سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم». (منافقون، ۶). برای آن‌ها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد.
- «أفلا یتوبون الی الله و یتستغفرونه». (مائده، ۷۴)

آیا به سوی خدا باز نمی‌گردند، و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟

امام زین العابدین «علیه السلام» در مناجات تائبان عرضه می‌دارد: «اللهم ان یکن الندم توبه الیک فانا اندم النادمین... وان یکن الاستغفار حطه للذنوب فانی لک من المستغفرین». (صحیفه سجاده، دعای ۳۱) خدایا اگر پشیمانی در پیشگاهت، توبه محسوب است، پس من پشیمان ترین پشیمانانم... و اگر استغفار موجب محو شدن گناهان است، پس من در پیشگاهت از استغفار کنندگانم. در حدیث معروف به «جنود عقل» آمده است: «... التوبه و ضدّها الاصرار، والاستغفار و ضدّها الاعتذار». (مرآة العقول، ج ۱، ص ۷۵) ذکر استغفار «استغفر الله ربی و اتوب الیه» که با اندکی تفاوت در دعاها و مناجات‌های بسیاری آمده است نیز به ظاهر بر تغایر این دو دلالت دارد. از سوی دیگر، در موارد بسیاری، استغفار به جای توبه به کار رفته است که نشان گر وحدت معنایی آن‌هاست که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «و کَوَّ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً». (نساء، ۶۴) اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند. به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. «ومن یعمل سوءاً او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفوراً رحیماً». (نساء، ۱۱۰) کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، پس از خداوند طلب

آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. در آیه ای دیگر آمده است: «وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون» (انفال، ۳۳) تا هنگامی که استغفار می کنند خدا عذابشان نخواهد کرد. هم چنین از امیر المومنین «علیه السلام» چنین نقل شده است: «لا شفيع انجح من الاستغفار» (میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۵۵). در این روایات، استغفار به معنی توبه آمده است؛ زیرا آن چه سبب از بین رفتن گناه و سقوط عقاب است توبه می باشد، نه استغفار. در برخی از روایات در تعریف استغفار همان معنی توبه ذکر شده است. به عنوان نمونه، از پیامبر خدا نقل شده است: «خير الاستغفار عند الله الاقلاع والندم» (میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۴۷). در حکمت معروفی که حضرت علی «علیه السلام» در نهج البلاغه دارد، استغفار را بر شش معنی اطلاق فرموده که همان معانی توبه است. (همان) به نظر می رسد، مفهوم استغفار با مفهوم توبه کاملاً مغایر باشد و اگر (در مواردی استغفار به جای توبه به کار رفته یا از آن روست که استغفار نشان گر توبه و گونه ای از اظهار آن است یا به عبارت دیگر، استغفار توبه زبانی و نشانگر ندامت است و یا از آن روست که پس از ندامت کامل و رجوع به خداوند سبحان، انسان طلب عفو و بخشش می کند، پس استغفار نتیجه توبه است، یا از آن رو که استغفار به معنی شوق و محبت به غفران الهی است که این معنی از رجوع قلبی (توبه) جدا شدنی نیست. به بیان دیگر، وقتی انسان پشیمان شد و آتش ندامت در جانش افتاد، قبل بعد یا همراه ندامت و یا در هر سه حالت، با همه وجود در پی جلب رضایت خدا و به دست آوردن بخشش اوست «حب و شوق به مغفرت خدا» به این اعتبار، می توانیم استغفار را مقدمه توبه بدانیم؛ «واستغفرو ربکم ثم توبوا الیه» و می توانیم به جای توبه استغفار را به کار ببریم: «ومن یعل سوءاً او یظلم نفسه ثم یتغفر الله» و می توانیم آن را به عنوان نتیجه و زاییده توبه در نظر بگیریم. از این رو می توان گفت که در آیات و روایات گاه استغفار به جای توبه به کار رفته است. با این توضیح روشن می شود که این روایات تعارضی ندارند که در صدد رفع آن و یا توجیه آن ها برآیم و بدین سبب توجیه هایی که برخی از محققان برای این آیات و روایات کرده اند، خلاف ظاهر آن هاست. به عنوان نمونه شیخ انصاری در کتاب عدالت چنین می فرماید: «ممکن است کلمه توبه را در آیات و روایاتی که بر استغفار عطف شده است مانند «استغفروا الی الله ثم توبوا الیه» به معنی انابه بدانیم و انابه پس از توجهی است که

انسان برای آمرزش طلبی به خدا می کند، همان طور که توجه به خدا برای طلب عفو، پس از ندامت است؛ زیرا ندامت باز گشت به خدا و برگشت از راه باطل است. پس ندامت، آمرزش خواهی (استغفار) و انابه در واقع همه توجه به خداست که یکی از پس دیگری از دل انسان نشأت می گیرد و ممکن است استغفار بر مجموع این توجهات اطلاق شود، همان طور که در حدیث معروف علی علیه السلام آمده است. (مکاسب، ص ۳۳۶) اشکالی که بر شیخ وارد است این است که: ضرورتی ندارد که توبه را به معنی انابه بگیریم بلکه هر یک از توبه و استغفار به معنی خود به کار رفته است و تعارضی هم ندارند.

### ب: انابه

«توبه» به معنی رجوع و بازگشت به خدای سبحان و پشیمانی از گناهان است، و «انابه» نیز در لغت به همین معناست. زبیدی می فرماید: «(تاب) رجع الی الطاعة (کاناب) الیه انابه فهو منیب» تاب یعنی رجع الی الطاعة، تاب مثل اناب الیه و اسم فاعل آن منیب است. قرشی در قاموس القرآن نوشته است: «نوب اگر با الی باشد به معنای رجوع بعد از رجوع است. ناب الیه، رجع الیه مرة بعد اخری انابه نیز هم چنین است. زنبور غسل را نوب گویند چرا که به کندویش پی در پی باز می گردد. حادثه را نائبه گویند که از نشانه های آن پی در پی بودن است. انابه ی به خدا، برگشتن به سوی خدا است با توبه و اخلاص عمل ...» (قاموس القرآن، ج ۷، ص ۱۱۸) در معنی اصطلاحی آن اختلاف است. برخی، آن را به معنی رجوع دانسته اند؛ (الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۲۴) و برخی دیگر گفته اند معنی آن با توبه یکی است. به نظر بعضی از عالمان اسلامی انابه با توبه متفاوت؛ و در وجه تفاوت آن نیز اختلاف است، ظاهر آیات و روایات نیز همین است. علامه طباطبایی معنی انابه و ایمان را یکی و این هر دو را زمینه ساز هدایت انسان می داند. (المیزان، ج ۱۳، ص ۳۵۳) از ظاهر آیات و روایات می توان فهمید که انابه در جایی است که انسان به خدا توجه تام پیدا کند و از آنچه غیر اوست روی گردانده و به او برگردد. نراقی در جامع السعادات می گوید: «بدان که انابه، بازگشت و روی کردن

به خدا با جان، گفته و عمل است، از همه آنچه غیر اوست تا آن جا که همواره انسان در باره خدا تفکر کند، به یاد او باشد و در جهت انجام طاعت عمل کند. پس انابه بالاترین درجه توبه است؛ زیرا توبه رجوع از گناه است و انابه رجوع از مباحات نیز هست، از این رو انابه از مقام های بلند و درجه های عالی انسان است. خداوند متعال می فرماید: «انیبوا الی ربکم و اسلموا له» (زمر، ۵۴) و می فرماید: «ما یتذکر الا من ینیب». (مومن، ۱۳) شیخ انصاری نیز سخن مشابهی دارد ایشان توبه، استغفار و انابه را توجه به خدای می داند. اما استغفار توجهی است که پس از توبه حاصل آید و انابه توجهی است که پس از استغفار دست دهد. (مکاسب، ص ۳۳۶).

### بخش سوم: دلایل وجوب توبه

توبه از اموری است که عالمان فرقه های مختلف اسلامی بر وجوب آن اجماع دارند و دلیل آن عقل، اجماع، کتاب و سنت است.

### الف: قرآن

آیات متعددی از کتاب خدا بر وجوب توبه دلالت دارد: «توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون لعلکم تفلحون» (نور، ۳۱) ای مومنان! همگی به سوی خدا توبه کنید، شاید رستگار گردید. «یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا» (تحریم، ۸) ای مؤمنان! همگی به سوی خدا توبه خالص نمایید. این دو آیه و آیات مشابه، که دلالت بر وجوب توبه؛ بر مؤمنان دارد. آیات دیگری نیز هست که بیان می دارد توبه از کفر... واجب است. دو آیه فوق و آیات مشابه آن ها امر به توبه کرده و امر دلالت بر وجوب توبه بر مؤمنان دارد. آیات دیگری نیز وجود دارد که بیان گر وجوب توبه از کفر است. «إن الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا واصلحوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم» (بقره، ۱۵۹) آنان که کتمان می کنند دلایل روشن و هدایتی را که ما نازل کردیم، پس از اینکه آن ها را در کتاب برای مردم بیان کردیم، اینان را خدای و لعنت کنندگان لعنت می کنند. «إن الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات ثم لم یتوبوا

فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق» (بروج، ۱۰) آنان که در باره مردان و زنان مؤمن فتنه بر می انگیزند و سپس توبه نمی کنند، کیفر جهنم و عذاب سوزان برای آنان است. بنا بر مدلول دو آیه بالا، نجات از کیفر و لعنت الهی لازم است و توبه تنها راه گریز از کیفر و لعنت است؛ از این رو توبه از آن ها واجب است. نجات از کیفر و لعنت الهی لازم است و بر پایه مدلول دو آیه فوق، توبه راه گریز از کیفر و لعنت است؛ و چون که عدم توبه گناه است و عذاب دارد از این رو توبه از آن ها واجب است.

### ب: سنت

روایات بسیاری در منابع شیعی و اهل سنت آمده که دلالت بر محبوبیت توبه و توبه کننده نزد خداوند دارد، همه اینها اگر دلالت بر وجوب توبه نداشته باشد مجموعاً دلالت دارد بر اینکه خداوند از ترک توبه راضی نیست و این ملازم با وجوب است؛ به فرموده شیخ انصاری، روایات بی شماری وجوب توبه را اثبات می کند و ما به ذکر دو روایت اکتفا می کنیم: «عن الرضا عن آبائه «عليهم السلام» قال قال رسول الله: اعترفوا بنعم ربكم و توبوا الى الله من جميع ذنوبكم فان الله يحب الشاكرين من عباده». (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۲۷) پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود: به نعمت های پروردگارتان اعتراف و از همه گناهانتان توبه کنید؛ زیرا خداوند بندگان شاکر خود را دوست دارد. هم چنین از امیر المومنین «علیه السلام» چنین نقل شده است: «توبوا الى الله و ادخلوا فی محبته، فان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين، والمؤمن تواب» (بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۱) به جانب خداوند باز گردید، و خود را در محبتش در آورید، همانا خداوند دوست دار توبه کنندگان و پاکیزگان است و مؤمن توبه اش بسیار است.

### ج: اجماع

هیچ خلافتی در وجوب توبه نیست. بسیاری از فقیهان، متکلمان و عالمان اخلاق بر آن ادعای اجماع کرده اند؛ که از آن جمله می توان به بیان معراج السعاده، جامع السعادات و ریاض السالکین اشاره داشت: فاضلین نراقی می فرمایند: و مخفی نماند که توبه کردن از همه گناهان

به اجماع جمیع امت و صریح آیات قرآنی واجب است (معراج السعاده، ص ۶۵۷) شارح صحیفه سجادیه می گوید: در اصل وجوب توبه اختلافی نیست. (ریاض السالکین، ص ۲۸۵)

## د: عقل

متکلمان شیعی و معتزلی بر وجوب توبه ادله عقلی بیان نموده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت: شکر منعم واجب و توبه شکر منعم است، پس توبه واجب است. صغرای برهان فطری و کبرای آن بدیهی است؛ زیرا نافرمانی و سرپیچی از دستورات مولا، مصداق ناسپاسی است. از این رو برای باز گشتن به شکر و سپاس او باید از گناهان توبه کرد. دفع ضرر بزرگ عقلا واجب است (معراج السعاده، ص ۶۵۷) و توبه دفع ضرر بزرگ است، پس توبه واجب است. صغری بدیهی، و کبری مستفاد از آیات و روایات است که اشاره خواهد شد. مرحوم شعرانی بر این دلیل در شرح تجرید اشکال نموده است به این که این دلیل با مبنای محقق طوسی سازگار نیست؛ زیرا از منظر ایشان توبه لزوما دفع ضرر نمی کند. در پاسخ می گوئیم: تامل در سخنان محقق طوسی بیان گر این است که ایشان هم چون سایر متکلمان شیعه وجوب توبه را نقلا واجب می داند؛ از این رو استدلال تمام است. در نهایت کبرای استدلال مبتنی بر پذیرفتن وجوب توبه از آیات و روایات است؛ که کسی در آن اختلاف ندارد. وصول به سعادت ابدی و تکامل معنوی واجب است و توبه از مهم ترین اسباب رسیدن به آن است؛ چون گناه و پیروی از شهوت های حیوانی و نفسانی انسان را از سعادت ابدی - که همان لقاء الله - است دور می کند، از این رو باید از آن ها روی گرداند و به سوی خدا برگشت و این جز با توبه میسر نیست. (احیاء العلوم، ج ۴، ص ۷) پشیمانی از هر کار قبیح و ترک هر واجبی واجب؛ و مقتضای مسلمانی است که زشت را زشت بداند و نیکو را نیکو، و از این که در عمل مخالفت کرده، افسوس بخورد.

## نتیجه گیری

با توجه به مطالب پیش گفته شده، توبه یکی از عوامل تخفیف، تعلیق و سقوط مجازات است که در مواد متعدد قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است؛ ولی آنچه حائز اهمیت است آن است که توبه ی مجرم می بایست احراز شود و صرف ادعای شفاهی بر توبه نمی تواند باعث سقوط مجازات شود اما همین مساله یعنی پی بردن به معنای توبه و نتایج آن امری راحت و سهل الوصول نبوده و مستلزم فهم دقیق معنای توبه و تشخیص آثار آن در زندگی افراد به خصوص مجرمین می باشد؛ لذا به قضات می بایست توصیه نمود که به تامل در معنای توبه پرداخته و معانی نزدیک به آن من جمله استغفار و انابه را مدنظر قرار داده و سپس به صدور حکم براساس احراز توبه یا عدم احراز آن پردازند.



مرکز آموزش علمی-کاربردی  
سازمان همیاری شهرداری های  
دانشگاه



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند  
با همکاری و حمایت معنوی  
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

# همایش ملی

## علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



**دکتر بهنام اسدی**  
مسئول برگزاری

محور های همایش:  
پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

**۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸**  
اصفهان - سالن اجلاس دانشگاه

**ارکان کلیدی همایش**  
دبیر اجرایی همایش:  
**دکتر امین امیریان فارسانی**  
رئیس هیات داوران:  
**دکتر سعید سامانی مجد**  
رئیس شورای سیاست گذاری:  
**دکتر سعید خردمندی**



**جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار**  
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه  
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید  
**phdsara@yahoo.com**  
**ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره**  
**09100636002**  
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science

T  
PBIN.com  
Sponsored And Indexed

همایش های ایران  
**Symposia**

CONF  
PAPER

مکتب های علمی  
Conference.com

مکتب های علمی  
Conference.com

مکتب های علمی  
Conference.com

مکتب های علمی  
Conference.com





www.olomensani.IR

۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴ - واحد صدور مدرک

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ - واحد مشاوره

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه میتا، پلاک ۲۹، طبقه سوم